

نقش روحانیت شیعه در نهضت مشروطه: مطالعه موردی نقش

علامه میرزا محمدحسین نایینی غروی

روح الله طاهرنیا^{۱*}

رضا شعبانی صمغ آبادی^۲

سینا فروزش^۳

چکیده

این مقاله به نقش روحانیون در نهضت مشروطه متمرکز است. روحانیون به عنوان گروه مرجع بعد از نهضت تنباکو، در مهاجرت صغری و مهاجرت کبری رهبری مردم را بر علیه استبداد داخلی حکومت قاجار و استعمار خارجی بر عهده گرفتند و بدون هیچ گونه چشم داشتی تا به ثمر نشستن نهضت مشروطه برای محدود نمودن قدرت پادشاه و آگاهی و بیداری مردم و آشنا نمودن آنها به حقوق و وظایف خود تلاش نمودند. یکی از این روحانیون علامه نایینی بود که در در نهضت تنباکو، نهضت مشروطه و در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی حضوری جدی و فعال داشت، وی از نخستین اندیشمندانی است که به صراحت از لزوم وجود قانون اساسی بحث نموده و می‌گفت که نخستین چیزی که می‌تواند حافظ عدالت و مانع طغیان حکومت‌گران دوره قاجار باشد، قوای قانونی و قانون اساسی است. وی با تألیف کتاب مشهور و ارزنده «تنبيه الامه و تنزیه المله»، که مورد تأیید رهبران مشروطه آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و ملامحمد عبدالله مازندرانی قرار گرفت، سهم بسیار مهمی را در نهضت مشروطه ایفا نمود. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع تاریخی، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و بررسی اسناد است. یافته‌ها و نتایج پژوهش حکایت از نقش روحانیت شیعه و بویژه نقش علامه میرزا محمدحسین نایینی در نهضت مشروطه دارد..

واژگان کلیدی: روحانیت شیعه، نهضت مشروطه، علامه میرزا محمدحسین نایینی.



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین الملل،

دوره دوازدهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و پنج،

تابستان ۱۴۰۱

۱. مربی گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) * history_1394@yahoo.com
۲. استاد گروه تاریخ، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و پنج، صص ۲۶۵-۲۹۱

مقدمه

نهضت مشروطیت یکی از مهم‌ترین نهضت‌های تاریخ معاصر ایران و الهام بخش نهضت‌های دیگر در ایران و خاورمیانه است که به لحاظ تاثیرگذاری بر سیاست و فرهنگ ایران زمین بعنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود و امروزه بسیاری از مورخان و صاحب نظران، تحقیق در مورد ریشه‌های نهضت مشروطیت را برای آشنایی نسل حاضر با رویدادهای گذشته، سیاست و فرهنگ گذشته کشور خویش و عبرت آموزی از آن در جهت بهبود وضعیت کنونی خود امری حیاتی به شمار می‌آورند و با آنکه بیش از یک قرن از این رویداد مهم می‌گذرد اما هنوز نکات مهمی درباره آن مبهم است که یکی از نکات مهم و مبهم آن زمینه‌های فکری داخلی و نقش نیروهای سیاسی - اجتماعی دخیل در آن است. یکی از نیروهای سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی که در نهضت مشروطیت نقش داشتند و مسائل سیاسی و نظام سیاسی وقت را مورد توجه قرار دادند، روحانیت شیعه بودند که در طول سال‌های قبل از نهضت مشروطه، تلاش خستگی ناپذیری را در راه مبارزه با استبداد و فساد حکومت قاجار به عمل آوردند و در نهایت سبب پیروزی نهضت مشروطه گردیدند.

در جوامع مختلف، نهادهای گوناگونی در جامعه پذیر نمودن افراد، ایفای نقش می‌کنند. در ایران نیز نهاد روحانیت، مهم‌ترین نهادی است که در این مورد محور فعالیت است. نهاد مذهب و به تبع آن، علما از گذشته‌های دور در ایران، نقش ویژه‌ای را ایفا نمودند، تاجایی که به اعتقاد عده زیادی، آنچه که انسجام جامعه را حفظ می‌کند، روحانیت (اسلام) است. تاریخ معاصر ایران، دارای تجربه‌های نو و تازه‌ای در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که دگرگونی‌های شگرفی در پی داشته است. تحلیل و بررسی هریک از این دگرگونی‌ها و تغییر و تحولات، بدون نگاه ویژه به نقش روحانیت در این تحولات، عملی بیهوده است. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۶) نهضت مشروطه، (آجودانی، ۱۳۸۳: ۱۶) یکی از مقاطع حساس و سرنوشت ساز در تاریخ کشور محسوب می‌شود که تأثیر و پیامدهای مهمی در تحولات داخلی کشور به ویژه در حوزه فکر و عمل سیاسی برجای نهاد و از آنجا که حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملت ایران در پویای تاریخی خود، پیوندی گسست‌ناپذیر با دین و رهبران مذهب داشته

است، نهضت مشروطه نیز به‌عنوان مهم‌ترین حرکت اجتماعی-سیاسی ملت ایران، از این قاعده مستثنی نبود. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۶) در این نهضت، علما در سطحی گسترده با کارکردهای متنوع‌تر به عرصه پیکار با استبداد گام نهادند. از این زمان به بعد، نقش روحانیون در تحولات جامعه پررنگ‌تر شد به‌صورتی که حضور روحانیت در مناظر، سخنرانی‌ها و همین‌طور در هر تحصن، قیام و شورش علیه استبداد، کاملاً مشهود است؛ تا آنجا که در طول تاریخ معاصر ایران، رهبری مشروطیت و قیام مردم ایران برای احقاق حق و به‌دست آوردن مجلس قانون‌گذاری در نامه‌های علمایی همچون سیدعبدالله بهبهانی، سیدمحمدطباطبایی و... کاملاً مشهود است. (حائری، ۱۳۶۰: ۲)

نهضت مشروطیت، حرکت و جوششی بود که قشرها و طیف‌های مختلفی در آن، نقش فعالی داشته‌اند. هرچند سهم هریک از آنان به‌یک اندازه نبود و اهداف آنان نیز باهم تفاوت داشت، اما شاخص‌ترین و تأثیرگذارترین طیف فعال در این جنبش به‌طور مشخص روحانیت ایران بوده است. بنابراین، در نگارش تاریخ معاصر ایران و نهضت‌ها، به خصوص نهضت مشروطه باید از نقش روحانیت به‌عنوان مهم‌ترین نیروی تأثیرگذار، سخن به‌میان آید؛ روحانیتی که پرچم‌دار این نهضت‌ها بوده و همیشه در بسیج مردم، مهم‌ترین نقش را دارا بوده است. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۷)

خصوصیت دین‌باوری مردم ایران و قدرت علما و روحانیان که از تعلیمات تشیع و قداست‌بخشی به روحانیت نشأت گرفته، باعث شده است مردم که اکثر آنان مسلمانان شیعه‌مذهبنده، در تمامی مسائل از روحانیت پیروی کنند؛ چراکه مردم از دیرباز به سلامت و صلاحیت روحانیت در رهبری و هدایت دینی و اخلاقی جامعه، اطمینان کامل داشته‌اند. در اعتماد مردم به روحانیت، همین‌بس که صرف حضور یک روحانی وارسته در یک شهر و یا روستا برای تقویت باورهای دینی مردم کفایت می‌کرد. مردم، تحت تأثیر شخصیت معنوی، رفتارها و هم سطحی زندگی مادی و معیشتی روحانیت که همان روش اولیای الهی (تبلیغ به‌غیرلسان) بود، قرار داشتند؛ زیرا روش اکثریت قریب به‌اتفاق عالمان دینی در نگرش به‌زندگی و زخارف دنیوی، نگاه آمیخته و آغشته به‌معنویت، زهد و ساده‌زیستی است و این، عامل اصلی در پیوند قلبی، فکری و فرهنگی مردم با روحانیت و عمده‌ترین دلیل نفوذ آنها بر مردم بوده است. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۱: ۸۶)

وابسته‌نبودن روحانیت به طبقه حاکم و حضور آنان در میان تمام گروه‌های مردم، از عوامل مهمی به‌شمار می‌رود که باعث شده است در مواقع حساس، این قشر بتواند با جهت‌گیری صحیح براساس خواسته‌های مردم حرکت کند. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۷) رهبری روحانیت شیعه، تأثیرشگرفی در تحولات و خیزش‌های سیاسی و اجتماعی مردم ایران داشته، به‌صورتی که فعالیت گروه‌های غیرمذهبی و تلاش فعالان سیاسی قدیمی را نیز کم‌رنگ ساخته بود؛ چراکه میلیون‌ها شیعه فداکار با اشتیاق، گوش به‌فرمان رهبران دینی بوده و از روحانیت شیعه، به‌عنوان رهبران دینی و سیاسی، اطاعت می‌کنند. بنابراین، حضور سیاسی روحانیان در عرصه مبارزات سیاسی ایران و تأثیر آنها در میان توده‌های مردم، موجب شده است نبض قیام‌های مردمی را در دست داشته باشند. (براون، ۱۳۳۳: ۱۲۸)

۱. پیشینه نقش روحانیت در مسائل سیاسی و اجتماعی ایران

پیشگامان نهضت دینی برای مقابله با ستم‌های موجود و نجات مردم و جامعه از آن‌همه ظلم و ستم در قرون اخیر، نقش ویژه‌ای را ایفا کرده‌اند. طی تمامی این تحولات، روحانیت در کنار مردم و حامی آنها در مبارزه با ستمکاران و حکام جبار زمان خود بوده است. اگر نقش روحانیت در مسائل سیاسی و اجتماعی ایران را فهرست‌وار برشماریم، می‌توان به این موارد اشاره نمود: (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۸) ۱- در سلسله صفویان که پس از ظهور اسلام در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۱۴ هـ ش/ ۹۰۷ تا ۱۲۱۳ هـ ق بر ایران فرمانروایی کردند، روحانیت وارد متن زندگی سیاسی و اجتماعی مردم شد و به‌جایگاهی رفیع در امور اجتماعی نائل آمد. از این دوره به‌بعد، روحانیت به‌عنوان ملجأ و پناهگاه مظلومان و ناظر بر مناصب دولتی، جایگاه خاصی پیدا کردند. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۸) ۲- پس از صفویه، نادرشاه با همه تلاشی که انجام داد نتوانست از نفوذ اجتماعی روحانیت جلوگیری کند. روحانیت شیعه با تکیه بر مردم و ایجاد رابطه عمیق‌تر با آنها، با بسط استقلال و گسترش حوزه‌های دینی، تحول شگرف علمی ایجاد کرده و انسجام و وحدت خود را تقویت کرد. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۸) ۳- در قرن نوزدهم میلادی، دولت‌های قاجار پس از ناامیدی از دولت‌های انگلیس و فرانسه در جلوگیری از تجاوزات دولت روسیه به سرحدات ایران، به‌این نتیجه رسیدند که لازم

است برای رفع تجاوزات روسیه، به روحانیت متوسل شوند تا علمای اسلام، مردم را به ایستادگی علیه تجاوز روسیه بشورانند و حکم جهاد را صادر کنند؛ چراکه جایگاه و قدرت روحانیان، مرهون دین و پیوند تاریخی مردم ایران با آن بوده، نه از برآیند و بازتاب قدرت و نفوذ سیاسی دولت‌ها. در نهایت، این چنین شد و علمای نجف، با توجه به مصالح مسلمانان در حفظ و حراست از سرزمین‌های مسلمین، حکم به جهاد دادند؛ اگرچه حکام قاجار از فرصت به دست آمده در بسیج ملی استفاده نکردند و دشمن، بسیاری از اراضی ایران را تصرف نمود. (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۰۶) (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۹) -۴ از دیگر افتخارات نهضت روحانیت در زمان قاجاریه، مخالفت صریح مجتهد عظیم‌الشان زمان، میرزای شیرازی بزرگ در تحریم استفاده و خرید و فروش توتون و تنباکو بود. این تحریم، چنان تأثیری در جامعه ایران گذارد که چشم حریص دولتمردان انگلیس را به قدرت و نفوذ کلام و پیام یک عالم شیعی در جامعه ایران باز کرد. (همان، ۵) - نهضت مشروطیت، بارهبری مراجع تقلید نجف و تهران شکل گرفت و نقش برجسته و اصلی روحانیت در نهضت مشروطیت، غیرقابل انکار است. در این نهضت، علما در سطحی گسترده‌تر و با کارکردهای متنوع‌تر به عرصه پیکار با استبداد حاکم، گام نهادند. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۹)

دکتر عبدالهادی حائری در این زمینه می‌نویسد: باور عمومی آگاهان به تاریخ ایران به درستی آن است که مهم‌ترین نیروی پشتیبان نهضت مشروطیت، همانا علما بودند. اگر آنان نهضت را تأیید نمی‌کردند به طور مسلم به نتیجه نمی‌رسید. با اینکه این نقش مؤثر علما کاملاً آشکار است و جای بحثی در مورد نفوذ نوشته‌ها و سخنرانی‌های آنان وجود ندارد، چنین به نظر می‌رسد که یک بررسی نقادانه، نه از فعالیت‌ها و نه از اندیشه‌های مشروطه‌خواهانه علما، هنوز به عمل نیامده است. (حائری، ۱۳۶۰: ۱۰۸-۱۰۷) -۲ (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۹) نهضت مشروطیت ایران تا اندازه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است، ولی تا سال‌های اخیر، توجهی بسنده به بنیان فکری نهضت و با نفوذترین نیروی نهضت مشروطیت، یعنی رهبران مذهبی، نشده بود. (حائری، ۱۳۶۰: ۱۰۸-۱۰۷) -۲ (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۰۶)

۲. نقش روحانیت در نهضت مشروطه

نهضت مشروطه، رخدادی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی بود؛ از این روی، همه گروه‌های جامعه در آن نقش داشتند، اما نقش سه گروه از همه بیش‌تر بود: روشنفکران، بازرگانان و عالمان (روحانیت). (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۴۷-۲۷) روشنفکران، خواهان آن نبودند که حرکت مشروطیت در بستر شریعت بیفتد و همکاری با روحانیت را در چهارچوبی خاص پذیرفته بودند. (آدمیت، ۱۳۵۵: ۳۰-۲۷) در حقیقت، از نیروی مذهب و عالمان دینی، به عنوان پلی برای رسیدن به هدفهای خویش سود می‌جستند؛ از این روی، پس از پیروزی، ابتکار عمل را در دست گرفتند و روحانیت اصیل و رنج دیده نهضت را از صحنه کنار زدند. بازرگانان، با هرگونه نفوذ اقتصادی بیگانگان مخالفت می‌ورزیدند و از این روی، با نظام بیگانه پرور و وابسته به بیگانه مبارزه می‌کردند. در همه مراحل، فتوای عالمان دینی را ملاک عمل و رفتار خود می‌دانستند و به حرکت خود رنگ مذهبی و دینی می‌بخشیدند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۳۳۳/۱) (کفایی، ۱۳۵۹: ۱۵۰) گروه سوم که در حقیقت، محور اصلی حرکت نهضت مشروطیت را عهده دار بود و نقطه پרגار آن به شمار می‌رفت، علما و فقهای برجسته و رده اول حوزه علمیه نجف و ایران بودند. مراجع تقلیدی مانند آخوند خراسانی، ملاعبدالله مازندرانی و حاج میرزا خلیل تهرانی در نجف، سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی در ایران، در رأس نهضت قرار داشتند و به حرکت مشروطه رنگ مذهبی و دینی دادند. رهبری و پیشتازی روحانیت در سطح مرجعیت، عرق مذهبی و غیرت دینی مردم را برانگیخت و آنان را به صحنه مبارزه کشاند. (کفایی، ۱۳۵۹: ۱۵۷)

در مورد نقش روحانیت در نهضت مشروطه، صاحب‌نظران بر این باورند که هدف بسیاری از آن‌ها از شرکت در این نهضت اجرای قانون اسلامی و حفظ اسلام بود و این در واقع، تنها بعد از نهضت مشروطه بود که آن‌ها با وجوه مشروطیت آشنا شدند، که این مسئله، خود در نهایت موجب تقسیم آنان به دو طیف فکری مقابل هم گشت. به این صورت که، دسته‌ای با استناد به فقه شیعی، به مخالفت با اصول مشروطه، همچون: قانون، مجلس، تفکیک قوا و... برخاستند، که از آن‌ها تحت عنوان «مشروع خواه» یاد می‌شود و در مقابل، روحانیونی که به حمایت از مشروطه برخاستند و مبانی آن را با

اصول و احکام اسلامی سازگار می‌دانستند به اینان مشروطه خواه گفته می‌شود. این رویارویی را به طور کلی می‌توان مهم‌ترین مواجهه فکری بعد از نهضت مشروطه دانست. (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷) روحانیت به عنوان مهم‌ترین عامل در ساماندهی جامعه ایران در زمان نهضت مشروطه بوده است. البته روحانیت به‌مثابه یک طبقه مؤثر در نهضت مشروطه، به دلیل وابسته نبودن به هیئت حاکمه، نکته مثبت و نمایانی بود و حضور این قشر در میان تمام گروه‌های مردمی، یکی از عوامل مهم پیدایی مشروطه به حساب می‌آید که موجب شد در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز، همراه و همگام با مردم بتوانند با جهت‌گیری صحیح براساس خواسته‌های مردم حرکت کنند و نبض خیزش‌های مردمی را در دست داشته باشند. (دوانی، ۱۳۷۷: ۱۱۷/۱) نهضت مشروطیت یکی از مهم‌ترین نهضت‌های تاریخ معاصر ایران و الهام بخش نهضت‌های دیگر در ایران و خاورمیانه است که از جنبه‌های مختلف قابل تحلیل است. یکی از جنبه‌های مهم آن، جنبه اسلامی نهضت و نقش اساسی روحانیت در شکل‌گیری آن بوده است. از آنجاکه حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملت ایران در پویش تاریخی خود، پیوندی گسست‌ناپذیر با دین و رهبران مذهب داشته است، مشروطه نیز به‌عنوان مهم‌ترین حرکت اجتماعی و سیاسی ملت ایران در دوره معاصر، از این قاعده مستثنی نبود. طی قرون اخیر، روحانیت، محور اصلی بسیاری از تحولات فکری و فرهنگی و سیاسی در ایران بوده است. واقعیت امر این است که از نظر ساختار اجتماعی، روحانیت از متن مردم برخاسته و در میان مردم زندگی نموده و از نزدیک با مشکلات زندگی توده‌های مردم آشنایی کامل داشته و از سوی دیگر، روحیه انقلابی، احساس مسئولیت و تقوای روحانیت، باعث شد مردم ایران، آنان را به عنوان پیشروان و پیشگامان نهضت‌ها انتخاب نمایند. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۹)

یکی از نهضت‌هایی که در دوره قاجار اتفاق افتاد و روحانیت نقش مهمی در آن ایفا نمود، نهضت مشروطه بود که از پیشروان و پیشگامان این نهضت می‌توان به نقش مراجع ثلاث، به‌ویژه نقش مراجع ثلاث مقیم عتبات یعنی ملا محمدکاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی اشاره نمود. یکی از انتقاداتی که به تاریخ‌نگاری مشروطه وارد است، عدم توجه کافی به جایگاه مراجع ثلاث، به‌ویژه نقش

«آخوند خراسانی» است. حتی از آخوند خراسانی می‌توان به‌عنوان رهبر نهضت مشروطه یاد کرد. اگر علمای تهران در جهت مشروطه حرکت می‌نمودند و این حرکت از حمایت مردم برخوردار بود، همه به‌اعتبار نقش مراجع ثلاث به‌ویژه آخوند خراسانی بود. ایشان در جریان مشروطیت، تلگراف‌ها و پیام‌هایی از نجف به‌ایران می‌فرستاد و مردم را به مبارزه ترغیب می‌کرد. سرانجام درحالی که برای نظارت نزدیک اوضاع ایران قصد هجرت را داشت، در سحرگاه سه‌شنبه ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۹ هـ ق، به‌طور مشکوکی رحلت کرد. (حائری، ۱۳۶۰: ۱۱۷)

در مرحله نخست روحانیت در شکل‌گیری نهضت مشروطه و بسیج مردم از طریق آگاهی‌بخشی نقش داشتند. در مرحله دوم، در جهت دادن به مطالبات و درخواست‌های مردمی نقش ایفا نمودند. در مرحله سوم، پس از پیروزی مشروطیت و صدور فرمان آن بر ضرورت مبارزه پیوسته با استبداد و تلاش برای عدم بازگشت استبداد پیشین نیز تأکید نمودند. (میراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۱) به‌طورکلی نهضت مشروطه نیز همانند بسیاری از انقلاب‌های عظیم تاریخی به همکاری گروه‌های انقلابی برای تقویت جبهه انقلاب وابسته بود که این گروه‌ها شامل روحانیون (علماء)، بازاریان و روشنفکران نوظهور غرب گرا می‌شده است (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷) و نکته اساسی نیز در اینجا این است که مسؤلیت هماهنگی و رهبری این نیروها در انقلاب را، روحانیون (علماء) بر عهده داشتند، که این مساله ارتباط عمیقی با جایگاه و نفوذ سنتی روحانیون در جامعه ایران آن زمان داشته است. (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷)

۳. نقش روحانیت پیشرو در نهضت مشروطه

سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و شیخ فضل‌الله نوری سه نفر از علمای بزرگی بودند که در نهضت مشروطه نقش فعالی داشتند. سیدمحمد طباطبایی، روحانی برجسته نهضت مشروطیت بود که در حوزه «فکر و عمل» پیش رفت. یعنی هم در تدوین ایدئولوژی و هم در بسیج مردم نقش داشت. وی در فعالیت‌های خود برضد حکومت عین‌الدوله با قاطعیت فراوانی «عدالتخانه» و «مجلس» یا انجمنی را که در خدمت مردم باشد، درخواست می‌نمود. در جای دیگر سید محمد طباطبایی، با صراحت بیشتری، هدف خود یعنی تأسیس عدالتخانه و مجلس و در نتیجه حذف استبداد را بیان می‌دارد و

می‌گوید که از حکومت جز «دادگری» نمی‌خواهد و هدف او بنیانگذاری مجلسی است که بوسیله آن به دست آید که چه اندازه مردم بیچاره ایران از ستم حکومت‌های محلی قاجار رنج می‌کشند. او می‌گوید که: «دادگری، اجرای قانون اسلام و تأسیس مجلسی که با پادشاه و گدا یکسان رفتار کند، می‌خواهد.» (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۳۱۸)

۴. اهداف روحانیت در نهضت مشروطه

روحانیت در نهضت مشروطه، چندهدف مهم را دنبال می‌کردند: اولین هدف عالمان دین در نهضت مشروطه، برقراری عدالت و اجرای قانون در جامعه بود که براساس آن، رابطه مردم با دولت و رابطه دولت با ملت معلوم شود. مرحوم آخوند خراسانی، یکی از رهبران مشروطه در تعریف این رابطه می‌گویند: مشروطیت هر مملکت، عبارت از محدود و مشروط بودن سلطنت و دوایر دولتی است برای عدم تخطی از حدود و قوانین وضع شده براساس مذهب رسمی آن کشور. بنابراین، روحانیت، خواهان عدالتی بودند که فرقی بین فقیر و غنی و قوی و ضعیف وجود نداشته باشد، بلکه همه درسایه قانون، یکسان دیده شوند. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۹۳)

دومین هدفی که روحانیت در نهضت مشروطه، آن را دنبال می‌کردند، به دست آوردن استقلال سیاسی و اقتصادی برای ایران بود. این استقلال در طول تاریخ ایران با فراز و نشیب‌هایی همراه بود ولی متأسفانه خاندان قاجار با بستن قراردادهای استعماری و با دادن امتیازاتی به بیگانگان، خصوصاً در زمان حکومت مظفرالدین‌شاه، عزتمندی و پایداری مردم ایران را برباد دادند. در پی این تحقیر، علمای نجف نامه‌ای به این مضمون نوشتند: از زمان حکومت خاندان قاجار تا به امروز، چه صدمات فوق‌الطایفه‌ای بر مسلمین وارد شده و چقدر از ممالک به دست کفار افتاد! قفقازیه، شروانات، بلاد ترکان، بحر خزر، هرات، افغانستان، بلوچستان، بحرین، مسقط و غالب جزایر خلیج فارس و عراق، غرب و ترکستان از ایران جدا شدند. دوثلت تمام ایران از دست رفت و این یکثلت باقیمانده هم به انحاء مختلف، زمامش را به دست اجانب دادند. گاهی مبالغه‌ناگفت، قرض گرفته و در ممالک کفار برده خرج نمودند و مملکت را به رهن کفار دادند. گاهی با دادن امتیازات منحوسه، ثروت شیعیان را به مشرکین سپردند. (بشیری، ۱۳۶۳: ۴۳۱) (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۹۴) سومین هدفی که روحانیت در نهضت مشروطه دنبال آن بودند، زنده

نگه‌داشتن شعائر اسلام بود، تا مردم پایبند به قانون باشند و قوانین برخلاف مذهب جعفری تدوین نشود. با حضور پنهانی بریتانیا در صحنه سیاست و قانون‌گذاری ایران، بی‌توجهی به شعائر اسلامی و رواج منکرها رو به‌فزونی گذاشت و آنها در پی حکومتی لیبرال و لائیک بودند تا مذهب را به حاشیه ببرند. (ترکمان، ۱۳۶۲: ۱۰۷) (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۸۹) رهبران ملی ایران که عموماً لیبرال بودند نیز به این نتیجه رسیده بودند که بدون حمایت روحانیان و علما نمی‌توان با توده‌های مردم ارتباط برقرار نمود و آنها را به حرکت درآورد. بنابراین، با آنها به‌نوعی تفاهم تاکتیکی برقرار نمودند تا شاید روحانیان، توده‌های مردم را در جهت نیل به اهداف ملی، تحریک و فعال کنند. از طرف دیگر، روحانیت برای رژیم‌های سیاسی از دیگر مخالفین، خطرناک‌تر بوده‌اند؛ زیرا آنها کمتر اهل سازش و تسلیم بودند و نه تنها با زد و بندهای سیاسی آشنایی نداشتند، بلکه اصولاً در مفهوم و معنای ماکیاوولی سیاست، تربیت نیافته بودند و اگر هم وارد میدان سیاست می‌شدند، صرفاً به‌این‌دلیل بود که ملت و مذهب را در خطر می‌دیدند. (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰: ۹۷) مردم ایران در حادثه جنبش تنباکو، در واکنشی تند و سراسری، به دستور رهبر دینی، میرزای شیرازی، با تحریم تنباکو به مبارزه منفی با انگلیسی‌ها پرداختند و ضربه جبران‌ناپذیری به حکومت قاجار و ناصرالدین شاه وارد ساختند. پیروزی جنبش تحریم تنباکو به رهبری میرزای شیرازی، دو جریان مهم تاریخی را به وجود آورد: نخست، ظهور قدرت بی‌رقیب مراجع دینی در صحنه سیاسی کشور و رهبری عالمان در بسیج توده‌ها بود که به شکسته شدن استبداد و از هم پاشیدن قدرت استعمار در ایران منجر شد و آنان را به عنوان مظهر آرمان‌های ملی مطرح نمود. مردم در این جنبش به این موضوع مهم پی بردند که با رهبری روحانیون نه تنها می‌توانند دیواستبداد داخلی قاجار را از میان بردارند بلکه می‌توانند دیواستبداد خارجی را از میان برداشته و دست او را از دست اندازی به منابع کشور کوتاه نمایند. دوم، رشد افکار سیاسی، برای فراهم آوردن زمینه تحولات بنیادین در نظام اداری و سیاسی ایران و شکل‌گیری نهضتی بزرگ‌تر در قالب نهضت مشروطیت بود. (آوری، ۲۴۶: ۱۳۷۳-۲۴۰) (کسروی، ۱۲۰: ۱۳۶۳-۱۱۹) (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۱۵/۲) (ملک زاده، ۲۴۴: ۱۳۷۱-۱۱۲) (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۵۹-۵۶۳/۴) کشته‌شدن ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵

هـ ش/۱۳۱۳ هـ ق به دست میرزا رضا کرمانی (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۳۴) (شعبانی، ۱۳۷۹: ۱۹۹) را می‌توان پایان قیام تنباکو و مقدمه نهضت مشروطیت به حساب آورد. از آن تاریخ تا پیروزی مشروطیت در سال ۱۲۸۵ هـ ش/۱۳۲۴ هـ ق (آوری، ۱۳۷۳: ۲۴۶-۲۴۰) (کسروی، ۱۲۰: ۱۳۶۳-۱۱۹) (دولت آبادی، ۲: ۱۱۵/۱۳۶۲) (ملک زاده، ۲۴۴: ۱۳۷۱-۱۱۲) (ناظم الاسلام کرمانی، ۴: ۱۳۷۱/۵۶۳-۱۵۹) (شعبانی، ۱۳۸۰: ۵۵۸) (امینی و ابوالحسن شیرازی، ۲۰۱: ۱۳۸۵) (سایکس، ۵۶۳: ۱۳۷۰-۷۸) (داوودی، ۵۴: ۱۳۷۲-۵۳-۵۲)

به مدت ده سال، فضای سیاسی ایران به طرز شگفت‌آوری متحول شد و مردم در شهرهای بزرگ و به‌ویژه در تهران، خواستار پایان بخشیدن به سلطه استبداد قاجار و استقرار حاکمیت ملت در قالب مجلس قانون‌گذاری شدند. یکی از نشانه‌های جدی حضور فعال روحانیت در عرصه سیاسی تاریخ معاصر ایران را می‌توان به‌خوبی در قضیه نهضت مشروطیت دید. به دلیل ظلم و ستمی که توسط سلاطین بر مردم روا داشته می‌شد، روحانیت به‌عنوان یک گروه ذی‌نفوذ (در توده مردم) همواره در مراسم‌های مختلف، از جمله هنگام برگزاری نمازهای جماعت، عزاداری‌ها، اعیاد و سایر مناسبت‌های مذهبی به ترویج نهضت مشروطه می‌پرداختند و بر حاکمان فشار وارد می‌آوردند. گذشته از این موارد روحانیت در عین دارا بودن چنین نفوذ و قدرت اجتماعی، نه تنها مانعی بر سر راه فعالیت سایر گروه‌های ذی‌نفوذ به حساب نمی‌آمدند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۲۶۷: ۱۳۷۴) (شیرخانی و رضایی، ۹۷: ۱۳۹۰) بلکه عمدتاً در برهه‌های مختلف تاریخی، با بقیه گروه‌ها ائتلاف نموده و با آنان همکاری نزدیکی داشته‌اند. (علویان، ۱۳۸۳: ۷) (شیرخانی و رضایی، ۹۷: ۱۳۹۰)

بر اساس مدارک و منابع فراوان تاریخی، رهبران دینی، نقش اساسی و بنیادین در این تحول داشتند؛ به طوری که مرجعیت شیعه و مستقر در نجف، به رهبری ملامحمدکاظم خراسانی، میرزا عبدالله مازندرانی و میرزا خلیل تهرانی، مسئولیت اداره نهضت را بر عهده داشتند. در تهران، عالمانی چون سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، به‌عنوان عالمان طراز اول در داخل کشور به پیشبرد امور نهضت مشروطه همت نمودند. همچنین در اصفهان، آقاجفی و حاج آقا نورالله اصفهانی، در فارس، محلاتی و مجتهد لاری و در تبریز، مجتهد تبریزی و ثقه‌الاسلام در تهیج و بسیج مردم، فعال و کوشا بودند. عموم

روشنفکران و حتی مخالفان دخالت روحانیت در سیاست، همچون تقی‌زاده و سیداحمد کسروی، نقش بی‌بدیل روحانیت در هدایت نهضت مشروطیت را ستوده‌اند و از آن به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیروزی نهضت، نام برده‌اند و پشتیبانی و پافشاری مراجع را به‌عمود خیمه نهضت مشروطه تشبیه نموده‌اند. (کسروی، ۱۳۶۳:۳۶۱) (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰:۹۸) علما و وعاظ و طلاب با توده مردم و کسبه و بازاریان پیوند نزدیک داشتند و نقش بزرگی در برانگیختن توده مردم ایفا نمودند. در آن دوران، علما به‌عنوان سخنگوی مردم در برابر حکومت شناخته می‌شدند و اصطلاح «علمای ملت» در مقابل «اولیای دولت» اصطلاح رایجی بود. در میان علما، نقش مراجع ثلاث مقیم عتبات بسیار مؤثر بود و وعاظ بزرگی چون «شیخ مهدی سلطان‌المتکلمین» و «شیخ محمدسلطان‌المحققین» تلاش فراوانی در برانگیختن مردم داشتند. (حائری، ۱۳۶۰: ۱۱۷) (شیرخانی و رضایی، ۱۳۹۰:۹۷) حال با توجه به آنچه در مورد نقش روحانیت در نهضت مشروطه گفته شد؛ در این جا به نقش علامه میرزا محمدحسین نائینی در نهضت مشروطه پرداخته می‌شود.

۵. علامه میرزا محمدحسین نائینی غروی

یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ضد بیدادگری در دوره مشروطه، علامه میرزا محمدحسین نائینی غروی (۱۳۵۵-۱۲۶۵ هـ ق) فرزند شیخ عبدالرحیم و از عالمان برجسته شیعه است که در سال ۱۲۷۶ هـ ق (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۹۶: ۵۹۳/۲) (حائری، ۱۳۶۰:۱۵۳) درنابین به دنیا آمد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۹۶: ۵۹۳/۲) (حائری، ۱۳۶۰: ۱۵۳) (ورعی، ۱۳۸۲:۲) (امین، ۱۴۰۳:۵۴/۶) و سرانجام پس از عمری تلاش و خدمت در پرورش شاگردان گرانمایه و تعالی اسلام و مسلمین در ۲۶ جمادی الاولی سال ۱۳۵۵ هـ ق ندای حق را لبیک گفت و به رحمت ایزدی پیوست. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۹۶: ۵۹۳/۲) (ورعی، ۱۳۸۲:۲۳)

۵-۱. شخصیت اجتماعی - سیاسی میرزا محمدحسین نائینی

شخصیت اجتماعی - سیاسی میرزا محمدحسین نائینی، مرهون ارتباط او با میرزای شیرازی در نهضت تنباکو و انس و دوستی او با سیدجمال‌الدین اسدآبادی است. این پیوند، ازدوران جوانی در اصفهان و استمرار تا دوره‌ای که در سامرا می‌زیست، ادامه

داشت. همراهی با میرزای شیرازی در نهضت تنباکو، و نیز همیاری و همکاری با آخوندخراسانی و ملاعبدالله مازندرانی در نهضت مشروطه و اعلام جهاد بر علیه انگلیس و تجاوز روسیه و فعالیتش در نهضت اسلامی ملت عراق، که به تبعیدش انجامید، گواه شخصیت اجتماعی- سیاسی او است. (ورعی، ۲۰: ۱۳۸۲) او یکی از برجسته‌ترین موافقان مشروطه به شمار می‌آید که مهم‌ترین اثر نظری خود یعنی کتاب معروف تنبیه الامه و تنزیه المله را در دفاع از مشروطه و نفی استبداد نوشت، که این کتاب مورد تأیید ملامحمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی قرار گرفت. (درخشه، ۴۳: ۱۳۸۴) تلاش‌های میرزا محمدحسین نایینی در این رساله، نخستین تلاش‌های مدون در فقه شیعه برای سازگاری وظیفه دینی و حق مردمی به شمار می‌آید، تلاشی که برمبنای اصول و مبانی دینی تبیین شد. او برای نخستین بار تلاش نمود که مفاهیم حقوق اساسی، بحث آزادی‌های سیاسی، مساوات و قانون و قانون‌گذاری و امثال آن را، که جزئی از ادبیات سیاسی نوین جهان به شمار می‌آمد، براساس استدلال‌های فقهی از متون اسلامی استخراج نماید. (نایینی، ۱: ۱۳۸۲) (حائری، ۲۲۷: ۱۳۶۴-۲۲۰) (درخشه، ۴۳: ۱۳۸۴)

۲-۵. اندیشه اصلاحی میرزا محمد حسین نایینی

از نظر اندیشه اصلاحی و طرح اصلاحی درجهان شیعه نیز، شخصیت‌هایی ظهور کرده‌اند که اندیشه‌های اصلاحی در بعضی از زمینه‌ها داشته‌اند. مرحوم آیت الله بروجردی، علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و علامه سید محسن عاملی و علامه سید شرف الدین عاملی، و بویژه علامه نایینی را از این نظر نباید از نظر دور داشت. شایسته است اهل نظر اندیشه‌های اصلاحی این شخصیتها را هر چند محدود به زمینه‌ای خاص است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. (مطهری، ۱۳۵۷: ۶۰) شاید بتوان گفت، نوشته میرزای نایینی، نخستین اثر یکپارچه و بسامان در زمینه طرح نظام اسلامی است. گرچه پیش از ایشان کتاب‌هایی در مورد نظام سیاسی اسلام نوشته شده و از ولایت فقیه، که روح حکومت اسلامی است، به شکل‌های گوناگون در آن نوشته‌ها سخن رفته. (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۲/۶۷) اما این که اصول اندیشه سیاسی شیعه در قالبی روشن و درخور اجرا ارائه شود از نوآوری‌های میرزای نایینی است. در این نوشته‌ها، نایینی

آشکارا در برابر استعمار غربی ایستادگی کرده و با خودباختگی و خود کم بینی در برابر قدرتهای بزرگ شرقی و غربی (که شماری را فریفته خود ساخته بود) به شدت مبارزه کرده است. گر چه برخی خواسته‌اند ریشه اندیشه نایینی را در نوشته‌های دیگران بجویند و از ارزش آفرینندگی و نوآوری وی بکاهند، (حائری، ۱۳۶۴: ۲۲۳) اما با دقت در محتوای کتاب می‌یابیم که او بهتر و بیش‌تر از آنچه پیشینیان در کتابهای خود گفته و نوشته‌اند، پرسمان‌ها را منطقی و مستدل، به بوته بررسی نهاده است. (عنای، ۱۳۸۴: ۱۷۴) شهید مطهری می‌نویسد: «انصاف این است که تفسیر دقیق از توحید عملی اجتماعی و سیاسی اسلام را، هیچ کس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، مرحوم میرزا محمد حسین نایینی، قدس سره، توأم با استدلالها و استشادهای متقن از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی قیمت (تنبیه الامه و تنزیه المله) بیان ننموده است. آنچه امثال کواکبی می‌خواهند، مرحوم نایینی به خوبی در آن کتاب، از نظر مدارک اسلامی به اثبات رسانیده است...» (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۶)

در واقع، هدف میرزای نایینی از نوشتن کتاب در آن شرایط تاریخی، که موج غرب زدگی همه جا و همه چیز را فرا می‌گرفت، این بود که باید به اسلام اصیل بازگشت و آن را دوباره شناخت و شناساند و این برخاسته از بیش‌تر ژرف و تیزهوشی و آینده نگری آن فقیه بود نه زاییده جبر زمان. حضور آخوند خراسانی و میرزای نایینی، در میان پیشنازترین قهرمانان مشروطه خواهی و این واقعیت که میرزای نایینی مؤلف تنها رساله مشهور و مضبوط در دفاع از اصول مشروطیت است، نمی‌تواند جز دلیل عینی باشد بر پیوند بین نظریه و نگرش فقهی آنان با نگرش سیاسی‌شان. (عنایت، ۱۳۸۴: ۲۸۷-۱۷۴) بنابراین، میرزای نایینی در نوشتن این کتاب، نه تنها پیرو و اثرپذیرفته از دیگران و اوضاع سیاسی نبوده، بلکه فراتر از آن به عنوان مصلح و اندیشه ور دینی به علل و انحطاط و راههای تعالی و ترقی مسلمانان می‌اندیشیده و این تفکر و اندیشه، برگرفته از روح شریعت و الهام گرفته از فرهنگ پرمایه و اصیل تشیع بوده است. (نجفی، ۱۳۹۱: ۵۳۰)

۳-۵. نقش میرزا محمدحسین نایینی در نهضت مشروطیت

میرزا محمد حسین نایینی، در ایجاد و استقرار مشروطیت نقش اساسی داشت و با قلم و قدم به یاری آن شتافت و در حقیقت مغز متفکر نهضت مشروطه بود. دوستی میرزای نایینی با سیدجمال الدین اسدآبادی و سفر به عراق برای فراگیری دانش و شرکت در درس و بحث میرزای شیرازی و مشاوره دادن به وی در امور سیاسی و اجتماعی باعث شد میرزای نایینی توان تحلیل مسائل سیاسی را داشته باشد و از جایگاه علمی و سیاسی ویژه‌ای برخوردار هم برخوردار شود. (آقابزرگ تهرانی، ۵۹۳: ۱۳۹۶/۶) بعد از رحلت میرزای شیرازی به کربلا و سپس به نجف هجرت کرد و با آغاز جنبش مشروطیت، به رهبری آخوند خراسانی و دیگر مراجع تقلید، میرزای نایینی به عنوان مشاور و بازوی سیاسی آخوند خراسانی مطرح شد. (همان) در این زمان بیشتر کارهای مبارزاتی و اجتماعی مرحوم آخوند خراسانی، با مشاورت نایینی انجام می‌گرفت و بسیاری از نامه‌ها و مراسلات مرحوم آخوند خراسانی، با مشورت و کمک ایشان تهیه می‌شد. میرزای نایینی هوش و فراست ویژه‌ای داشت، رخدادهای سیاسی و اجتماعی زمان را به دقت دنبال می‌نمود و در کنار فراگیری علوم و معارف دینی، به سرنوشت مسلمانان و علل انحطاط و گرفتاری آنان می‌اندیشید و دنبال راه چاره و علاج می‌گشت. از این روی، در دوران شکل‌گیری مشروطیت، از هیچ کوششی دریغ ننمود و توان علمی و نگارشی خود را در اختیار نهضت گذاشت. (حائری، ۱۳۶۴: ۱۵۷) در زمانی که شبهه افکنیها و خرده‌گیریها شروع شد، (آدمیت، ۱۳۵۳: ۳۲-۲۵۹) (نایینی، ۱۳۶۱: ۱۱)

یعنی بحث از ارائه معنای نادرست از آزادی، ارائه معنای نادرست از مساوات، بدعت شماری تدوین قانون، دخالت دادن امت در امر امامت، دخالت غیرفقیهان در امور حسبیه، بدعت و نامشروع بودن آرای اکثریت (همان: ۶۳- ۸۵) به میان آمد، در این زمان پرآشوب میرزای نایینی، وارد میدان شد. وی که به منزله زبان و سخنگوی مراجع مشروطه خواه نجف بود، دست به قلم برد و با نوشتن کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله به سخنان بی اساس و خرده‌گیری‌های نابجا و شبهه‌های اختلاف برانگیز، پاسخ منطقی و مستدل داد. این نوشته که به مهر تأیید دو نفر از مراجع بزرگ آیت الله شیخ محمدکاظم خراسانی و آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی، زینت یافته بود، (همان) تردیدها را زدود و

بار دیگر، ثابت نمود که روحانیت در هسته مرکزی روشن بینی و ژرف اندیشی قرار داد و اهل آفرینندگی و نوآوری است. (آل احمد، ۱۳۶۹: ۲/۹۶) بنابراین سهم میرزای نایینی در استوارسازی بنیاد مشروطیت سهمی است اساسی و ماندگار.

در زمان میرزا محمدحسین نایینی نهضتی مردمی به منظور مهار استبداد و تحصیل استقلال و امنیت به رهبری عالمان دین در ایران انجام شد که به نهضت مشروطه معروف شده است در این نهضت او را می‌توان از پیشگامانی به شمار آورد که در کنار عالمانی دیگر چون ملا محمد کاظم خراسانی نقش مؤثری را در پیروزی آن ایفا نمود. او یکی از چهره‌های مؤثر در نهضت مشروطیت ایران بود که با ارائه نظریاتی در رابطه با ارائه قانون و مجلس شوری ملی و قانون مند شدن جامعه، حرکتی کوبنده در برابر جریان استبداد حاکم در دوره قاجار، شروع نمود و با طرح نظریاتی همچون، رأی اکثریت، شوری، مساوات، آزادی و استبداد، (کواکبی، ۱۳۶۳: ۴۹) (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱) در برابر فضای استبداد زده جامعه دوره قاجار، دریچه‌ای نو باز کرد و باعث آگاهی و بیداری جامعه اسلامی گردید. (نایینی، ۱۳۸۲: ۱۱۶-۸۴)

او تاکید می‌کند که تنها راه نجات ایران و جهان اسلام، اصلاح نظام سیاسی و تبدیل استبداد به مشروطه است. این تنها راه برون رفت از انحطاط و عقب ماندگی است. (نایینی، ۱۳۸۲: ۱۰۹-۸۵-۱۰۸-۸۵-۵۱-۴۹-۴۲-۱۷) میرزا محمدحسین نایینی نزدیک‌ترین رایزن ملامحمدکاظم خراسانی در نهضت مشروطه بود. وی متن تلگراف‌ها و بیانیه‌های عمومی ملامحمد کاظم خراسانی، میرزا خلیل تهرانی و شیخ عبدالله مازندارانی را در نهضت مشروطیت انشا می‌نمود و این امر دشمنی فراوانی در میان رقبیان علمی و دشمنان سیاسی میرزامحمدحسین نایینی نسبت به او به وجود آورده بود. از نظر تئوریک استوارترین متن سیاسی در حمایت از مشروطه را میرزا محمدحسین نایینی نگاشت. او قوی‌ترین پشتیبان آزادی، برابری و استبدادستیزی، را اسلام می‌داند. (نایینی، ۱۳۶۱: ۶) کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله حاصل تلاش این فقیه برای مشروعیت دادن به آرمان‌های مشروطه بود. میرزا محمدحسین نایینی در این رساله می‌کوشد تا اثبات کند مبانی مشروطه در بطن شریعت وجود دارند. او در این کتاب به آرمان‌های مشروطه جنبه دینی بخشیده، وجود آنها را در شریعت مسلم و محرز انگاشته و با

تسلطی که بر اصول، فقه و تاریخ صدر اسلام داشته، مواردی را برای اثبات نظریات خود به عنوان شاهد یاد می‌کند. خراسانی و مازندرانی دیدگاه‌های میرزا محمدحسین نایینی را با نامه‌هایی در کتاب تنبیه الامه به طور کامل تأیید و تصویب کردند. میرزا محمدحسین نایینی با بهره‌گیری از آیات و روایات در صدد آن بود که در مخالفت با نظام استبدادی، به تأسیس نظام مشروطه دست یابد. (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۲۱۴) بدین لحاظ نظریه دولت مشروطه وی، نقطه اساسی در سیر نظریه دولت در فقه شیعه به حساب می‌آید و خود حکایت از یک برداشت جدید دینی دارد که افق‌های نوینی را در منظر فقهای شیعه گستراند. او در برداشت خود از نظریه مشروطه، تحت تأثیر اندیشمندان و نوگرایان جهان اسلام قرار داشت. (حائری، ۱۳۶۴: ۲۲۷-۲۲۶-۲۲۵-۲۲۴-۲۲۳-۲۲۲-۲۲۱-۲۲۰) میرزا محمدحسین نایینی در رساله خود با تحلیلی از تاریخ اسلام بیان می‌نماید که اسلام بر اساس آزادی، عدالت، حکومت نوع مردم و شورا استوار است و در زمان پیامبر (ص) و به ویژه در عهد حکومت حضرت امام علی (ع) نیز چنین بوده است. ولی حکومت امویان آن را به سلطنت مطلقه تبدیل نموده و آن را جزء عوامل اصلی انحطاط مسلمانان می‌داند. (نایینی، ۱۳۸۲: ۴۵-۲۱-۱۹-۱۷) (درخشه، ۱۳۸۴: ۴۴)

او نیز مانند همه فقیهان شیعه، اندیشه سیاسی دیرین شیعه مبنی بر انحصاری بودن حق ولایت معصومان (ع) را می‌پذیرد و معتقد است که در عصر غیبت شرعاً و عقلاً به اقتضای ضرورت تأمین عدالت و مساوات، محدود نمودن قدرت سلطنت به قدر امکان واجب است. (نایینی، ۱۳۸۲: ۵۶-۴۷-۴۶) (درخشه، ۱۳۸۴: ۴۵) هرچند باید تصریح نمود که وی بهترین شیوه حکومت عملی در زمان خود را مشروطه می‌داند نه به آن معنا که یک نظام عالی و مطلقاً خوب و مشروع باشد.

از جمله مبادی بنیادی و اساسی اندیشه نایینی مبارزه علیه استبداد است، وی در رساله خود با هرگونه برداشتی از اسلام که توجیه‌کننده استبداد و حاکمیت استبدادی باشد و به تعبیر خود استبداد دینی، به شدت مخالفت می‌ورزد (نایینی، ۱۳۸۲: ۶۰-۵۶) و می‌کوشد که به شکل مستدل اصول و مبانی مشروطه را از قرآن و سنت پیامبر (ص) و به ویژه فرامین حضرت امام علی (ع) اخذ کند و آن را از ضروریات اسلام در عصر غیبت قلمداد کند. (نایینی، ۱۳۸۲: ۹۷-۵۶-۳-۲) وی آنچه را که از قانون، آزادی، مسائل مربوط

به کشورداری و حقوق اساسی وارد جهان اسلام شده است، خودی و از اصول اساسی سلطنت اسلامی می‌داند و اضافه می‌نماید که شهروندان باید از برابری سیاسی برخوردار باشند. (نایینی، ۱۳۸۲: ۶۹) میرزا محمدحسین نایینی قوام حکومت مشروطه را در تدوین قانون اساسی و نیز نظارت توسط نمایندگان مجلس برای ممانعت از استبداد می‌داند. (نایینی، ۱۳۸۲: ۶۰-۳-۲)

نایینی کتاب تنبیه‌الامه (یعنی آگاه کردن امت اسلام به ضروریات شریعت) و تنزیه‌المله (یعنی منزله دانستن دین اسلام از بدعت استبداد) را که دارای یک مقدمه، پنج فصل و یک خاتمه است را در سال ۱۳۲۷ هـ ق/۱۹۰۹ م در دوران استبداد صغیر و در بغداد نوشت و به چاپ رساند. کتاب میرزا محمدحسین نایینی مورد تأیید علمای بزرگ شیعه در زمانه او، همچون آیت الله شیخ محمدکاظم خراسانی و آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی، قرار گرفته است و آن دو بر آن تقریظ نگاشته‌اند. او در این کتاب حاکمیت اسلام ناب محمدی را اثبات کرده و پرده از چهره حکومت‌های استبدادی برداشته و زندگی در زیر سلطه استبداد را با بردگی مساوی می‌داند.

میرزا محمدحسین نایینی در تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله می‌نویسد: آزادی و برابری که در رژیم مشروطه مورد توجه است، از اهداف اصلی پیامبران به شمار می‌رفته، پیامبر ما هرگز فراموش نمود که همه مردم آزاد و برابر هستند، رهبران شیعه می‌خواستند مسلمانان را از بردگی نجات داده و حقوق از دست رفته‌شان را باز گردانند. (حائری، ۱۳۶۴: ۱۲۷) انگیزه علامه میرزا محمد حسین نایینی از نگارش کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله دفاع از مشروطه و توجیه شرعی آن و اثبات تخالف ذاتی استبداد با اسلام و احکام و آموزه‌های آن بود. او با این کتاب می‌خواست ساحت اسلام را از این تهمت که با استبداد موافق و با مشروطه مخالف است منزله و مبرا سازد و امت را از خواب غفلت بیدار کند و به وجوب شرعی ستیز با استبداد و تبدیل نظام استبدادی به مشروطه اقدام نماید. کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله محصول تفکر و اجتهاد میرزای نایینی است که رویکردی ضد طاغوتی و استبدادی و روشنگرانه در شریعت اسلامی دارد و به نظر می‌رسد که شرط لازم در بیان آرای سیاسی میرزا محمدحسین نایینی همین عامل (اجتهاد فقهی) بوده است. وی قوی‌ترین پشتیبان آزادی، برابری و استبداد ستیزی را

اسلام می‌داند. (نایینی، ۱۳۶۱: ۶) در مجموع تلاش‌های فکری علامه میرزا محمدحسین نایینی با کتاب «تنبيه الامه و تنزیه المله» جلوه، تأثیر و نقش ویژه‌ای در نهضت مشروطه داشت و دو مؤلفه «مرجعیت دینی» «آراء سیاسی در دفاع از حکومت مشروطه» دلایلی بودند که میرزا محمدحسین نایینی در زمان مشروطه مطرح نمودند. نایینی را می‌توان نظریه‌پرداز حکومت مشروطه بر اساس آموزه‌های اسلامی دانست که در صدد بود تا در مخالفت با حکومت و آموزه‌های استبدادی، (حقیقت، ۱۳۹۰: ۲۴) (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷) با بهره‌گیری از آیات و روایات، به تأسیس نظری حکومت مشروطه دست یابد. وی هدفش را از نوشتن رساله فوق، آگاه کردن امت به ضرورت شریعت و پاک کردن و زدودن بدعت استبداد برمی‌شمارد. (قادری، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۶) (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷) او در فصول مختلف کتاب «تنبيه الامه و تنزیه المله» هدف از مشروطه را «تحدید سلطنت استبدادی» می‌داند. (ورعی، ۱۳۸۲: ۹۹) وی در این کتاب، مبادی مشروطه، یا به تعبیری، حکومت قابل قبول در عصر غیبت را از دیدگاه شیعه بررسی و اثبات می‌کند و به اعتراضات مخالفان - به ویژه شیخ فضل‌الله نوری - و شبهاتی که متوجه اساس مشروطیت بود، پاسخ می‌دهد. رساله تنبيه الامه و تنزیه المله را به طور کلی می‌توان نخستین رساله منسجمی دانست که درباره مشروطیت نوشته شده است. (قادری، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۶) (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷)

۴-۵. اندیشه سیاسی میرزا محمد حسین نایینی

مهم‌ترین مولفه‌های اندیشه سیاسی میرزا محمدحسین نایینی عبارت بودند از: رأی اکثریت، شوری، آزادی و مساوات که به طور خلاصه در مورد آنها توضیح داده می‌شود. ۱-۱۱. رأی اکثریت: نظام و حکومت در دوره قاجاریه بر اساس سلطنت استبدادی اداره می‌شد و محدود کننده‌ای برای آن وجود نداشت. تا اینکه در دوره مشروطه به وسیله ایجاد مجلس قانونگذار، قدرت شاه و نظام سلطنتی محدود می‌شد. مجلس قانون گذار از طریق گرفتن آرای نمایندگان منتخب مردم به وضع قوانین اقدام می‌کرد. اما آیا وضع قوانین در راستای شریعت اسلام بود و شرع مقدس آنرا تائید می‌کرد؟ مناقشات زیادی در این راستا بوجود آمد و نظریات مختلفی ارائه گردید. میرزا محمد حسین نایینی «رأی اکثریت» را به عنوان یک اصل عقلانی و جهانی می‌پذیرد و از آن دفاع می‌کند. ایشان

اذعان دارند که اسلام نه تنها رأی اکثریت را رد نکرده بلکه آنرا تأیید کرده است. برای نمونه در سیره پیامبر (ص) در غزوه احد و احزاب و سیره علی بن ابی طالب (ع) در جنگ صفین دال بر رأی اکثریت می‌باشد. (نایینی، ۱۳۸۲: ۱۷۳) میرزا محمدحسین نایینی در این باره اشاره به غزوه احد می‌کند که رأی پیامبر (ص) و عده‌ای از اصحاب بر ماندن در مدینه در مواجهه با سپاه مشرکان قریش بود اما چون رأی اکثریت بر خروج از مدینه بود، رأی اکثریت را پذیرفتند اگرچه صلاح درماندن در مدینه بود. (نایینی، ۱۳۸۲: ۸۴)

شوری: یکی از ارکان و اساس مجلس قانونگذار، بحث مشورت می‌باشد که برای وضع قوانین، نیاز به شور و مشورت اعضاء مجلس، دارد و یکی از اصول مسلم مجلس شورای ملی می‌باشد. میرزا محمدحسین نایینی از آن دفاع کرده و با بیان ادله از قرآن و سیره پیامبر (ص) از مشروعیت آن دفاع می‌کند. (نایینی، ۱۳۸۲: ۸۱) او در این باره به آیه مبارک «وامرهم شوری بینهم» (سوره آل عمران، ۱۵۹) (نایینی، ۱۳۳۴: ۵۴) (درخشه، ۱۳۸۴: ۵۱) که دلالت بر مشورت و شوری دارد، اشاره می‌نماید (نایینی، ۱۳۸۲: ۸۴) که در این جا به سیره پیامبر (ص) در مشورت با اصحاب و دوران حکومت امام علی (ع) و مشورت با اصحاب پرداخته می‌شود.

الف. سیره پیامبر (ص) در مشورت با اصحاب: در این رابطه می‌توان به غزوه احزاب (خندق) اشاره کرد که پیامبر (ص) با اصحاب در این باره مشورت کرد و حضرت سلمان پیشنهاد کردن خندق را دادند و پیامبر (ص) از ایشان قبول کردند و دستور کردن خندق را دادند. (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۵۰)

ب. دوران حکومت امام علی (ع) و مشورت با اصحاب: در این رابطه می‌توان به حکومت حضرت امام علی (ع) اشاره نمود. ایشان در جریان حکومت خود در برابر کسانی است که با مجلس قانونگذار مخالف هستند و آن را بدعتی در برابر دستورات خداوند می‌دانند. (نایینی، ۱۳۸۲: ۸۵) شوری را یکی از ضروریات دین بشمار می‌آورند. در این جا به واسطه قرائن می‌فهمیم که مراد از شورا رأی جمهور مردم نیست بلکه رأی متخصصین امت می‌باشد. (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴)

آزادی: از نظر میرزا محمد حسین نایینی آزادی مبنای تنظیم قانون اساسی و اساس حکومت اسلامی است. در هر دوره‌ای استفاده از این واژه با مفاهیم مختلف بکار می‌رفت و استفاده‌های گوناگونی از این واژه انجام می‌شد. استفاده میرزا محمد حسین نایینی از این واژه این گونه بود، که آزادی یعنی از اسارت حکومت‌های غاصب آزاد شدن و این آزادی با آزادی که به معنای بی بند و باری است کاملاً مغایرت دارد و شعار تمام پیامبران هم آزادی از یوغ اسارت سلاطین و پادشاهان می‌باشد. ایشان متذکر می‌شوند که در رابطه با این واژه مغالطه‌ها انجام شده است. (نایینی، ۱۳۸۲: ۹۷) میرزا محمد حسین نایینی معتقد است که آزادی یعنی «از چه چیز باید آزاد شد؟» آزادی از ظلم و ستم حکام و ستمگران می‌باشد نه آزادی از خدا و قوانین الهی و حدود دینی. (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۵)

مساوات: یکی از اصولی که در جریان نهضت مشروطه مورد بحث و نظر بود، اصل مساوات می‌باشد که معانی مختلفی از آن انتزاع می‌شود و در جریان مشروطیت مورد بحث بود و برداشت‌های مختلفی از آن می‌شد. میرزا محمدحسین نایینی مساوات را از ارکان اساسی حکومت اسلامی می‌دانست. ایشان در این باره می‌گویند: «و اما مساوات در قوا و حقوق و سایر نوعیات را ... به صورت مساوات مسلمین با اهل ذمه در ابواب توارث و تناکح و قصاص و دیاتش درآوردند و بلکه مساوات اصناف مکلفین مانند بالغ و عاقل و مجنون و صحیح و مریض و مختار و مضطر و موسر و معسر و قادر و عاجز الی غیر ذلک؛ از آنچه اختلاف آن‌ها منشأ اختلاف تکالیف و احکام و به داستان مشروطیت و استبداد از فلک اطلس ابعاد است، هم ارز مقتضیاتش شمرده‌اند.» (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷) علاوه بر موارد بالا از مؤلفه‌هایی مانند مشارکت سیاسی، تفکیک قوا، آزادی و برابری، حقوق شهروندان، مجلس، ولایت فقیه، شورا، قانون و تجدد و عدم نفی کلی آن نام می‌برد که این موارد را می‌توان از عواملی دانست که در محدود نمودن قدرت و حکومت پادشاه قاجار و زمینه‌های نهضت مشروطه مؤثر بود.

۵-۵. ریشه‌ها و عوامل تقویت کننده استبداد از نظر میرزا محمد حسین نایینی

میرزا محمدحسین نایینی در زمان مشروطه، از پیشگامان جنبش ضد استبدادی و از نظریه پردازان مشروطیت (تبدیل رژیم استبداد به حکومت قانون) بود و تحلیلگران تاریخ

مشروطه، نظیر فریدون آدمیت، کتاب مشهورش: تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، را در قوت استدلال و اتقان مطلب، مهم‌ترین رساله عالمان مشروطه‌خواه در دفاع از مشروطیت و عدم ناسازگاری آن با اسلام شمرده‌اند. بسیاری از اعلامیه‌ها و مکتوبات مراجع مشروطه‌خواه نجف هم به قلم او است. از نظر میرزا محمدحسین نائینی ریشه‌ها و عواملی باعث تقویت استبداد می‌شوند که این ریشه‌ها و عوامل تقویت کننده استبداد عبارتند از: ۱- جهل مردم (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۴۱) ۲- شاه پرستی (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۴۶) ۳- اختلاف و تفرقه بین مردم (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۴۹) ۴- آزار و اذیت آزادیخواهان (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۵۵) ۵- عادی و طبیعی شدن زورگویی مستبدان (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۵۷) ۶- استفاده از منابع مملکت برای سرکوبی ملت. (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۵۸) در ادامه میرزا محمدحسین نائینی راه‌هایی مقابله با قوای استبداد را برمی‌شمارد که این راه‌ها عبارتند از: ۱- آگاه کردن ملت و آشنا کردن آنها با حقیقت استبداد و مشروطیت (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۵۹) ۲- مقابله با فرهنگ شاه پرستی باتکیه برشایسته سالاری (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۶۴) ۳- رواج امر به معروف و نهی از منکر (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۶۶) ۴- وحدت (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۶۸) ۵- کندن شجره استبداد (نائینی، ۱۳۸۲: ۱۷۳) به طور کلی هر چند مراجع و مجتهدانی چون آخوند خراسانی و عبدالله مازندرانی نقش بزرگی در حمایت از جنبش مشروطه خواهی ایرانیان داشتند، (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۸۱) (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷) اما تلاش‌های فکری علامه میرزا محمدحسین نائینی با کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» جلوه، تأثیر و نقش ویژه‌ای در این زمینه داشته است و دو مؤلفه «مرجعیت دینی» «آراء سیاسی در دفاع از حکومت مشروطه» دلایلی بودند که علامه میرزا محمدحسین نائینی در زمان مشروطه مطرح نمودند. علامه میرزا محمدحسین نائینی را می‌توان نظریه پرداز حکومت مشروطه بر اساس آموزه‌های اسلامی دانست که در صدد بود تا در مخالفت با حکومت و آموزه‌های استبدادی، (حقیقت، ۱۳۹۰: ۲۴) (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷) با بهره‌گیری از آیات و روایات، به تأسیس نظری حکومت مشروطه دست یابد. وی هدفش را از نوشتن رساله فوق، آگاه کردن امت به ضرورت شریعت و پاک کردن و زدودن بدعت استبداد برمی‌شمارد. وی در این کتاب، مبادی مشروطه، یا به تعبیری، حکومت قابل قبول در عصر غیبت را از دیدگاه شیعه

بررسی و اثبات می‌کند و به اعتراضات مخالفان- به ویژه شیخ فضل‌الله نوری- و شبهاتی که متوجه اساس مشروطیت بود، پاسخ می‌دهد. رساله تنبیه الامه و تنزیه المله را به طور کلی می‌توان نخستین رساله منسجمی دانست که درباره مشروطیت نوشته شده است. (قادری، ۲۳۶: ۱۳۸۵-۲۳۵) (رفیع و عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۴: ۷۷)

نتیجه‌گیری

روحانیون به عنوان گروه مرجع بعد از نهضت تنباکو، در مهاجرت صغری و مهاجرت کبری رهبری مردم را بر علیه استبداد داخلی حکومت قاجار و استعمار خارجی بر عهده گرفتند و بدون هیچ گونه چشم‌داشتی تا به ثمر نشستن نهضت مشروطه برای محدود نمودن قدرت پادشاه و آگاهی و بیداری مردم و آشنا نمودن آنها به حقوق و وظایف خود تلاش نمودند و مردم در این نهضت به این موضوع مهم پی بردند که با رهبری روحانیون نه تنها می‌توانند دیواستبداد داخلی قاجار را از میان بردارند بلکه می‌توانند دیواستبداد خارجی را از میان برداشته و دست او را از دست اندازی به منابع کشور کوتاه نمایند. در مجموع با توجه به آنچه در مورد نقش روحانیت در مشروطه گذشت می‌توان گفت که روحانیت از دیرباز به لحاظ پیوند عمیق جامعه ایران با دین از اقتدار و نفوذ معنوی زیادی برخوردار بوده است. در دوره صفویه با گسترش مذهب شیعه، روحانیت به عنوان عالیترین نهاد مردمی و تنها نهاد قدرتمند غیردولتی مطرح شد. حتی شاه نیز به عنوان حاکمی مطلق‌العنان، به لحاظ مذهبی فقط یکی از مقلدان پرشمار مراجع بزرگ محسوب می‌شد و شرعاً حق تخطی از فتوای مراجع را نداشت. از قرن نوزدهم به بعد نیز افزایش علمای بزرگ و رشد سریع مدارس و حوزه‌های دینی به گسترش کمیت و کیفیت نهاد روحانیت انجامید. به نحوی که پس از آن، علما و روحانیون شیعی بی‌وقفه در امور سیاسی حضور پیدا کرده و رهبری مردم را بر عهده داشته‌اند. نمونه بارز این حضور در جنبش تنباکو اتفاق افتاد که این جنبشی که علیه امتیاز تنباکو در ایران شکل گرفت از دو جهت قابل تأمل و دقت است، از یک سو نقش رهبری روحانیت در این حرکت عظیم اجتماعی و از سوی دیگر رو در رو قرار گرفتن سلطنت و روحانیت شیعه. به عقیده بیشتر صاحب‌نظران مسائل تاریخ ایران، جنبش تنباکو، پیش‌درآمدی بر نهضت مشروطه ایران بوده است. اعطای امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکو به اتباع انگلستان

که سبب تماس مسلمانان پاک نهاد با فرنگیان می‌شد و به طور مستقیم با زندگی توده مردم اصطکاک پیدا می‌کرد مردم و روحانیت را به واکنش واداشت. در این جنبش روحانیت در یک قیام و در یک موقعیت تاریخی به تمرین رهبری پرداخت و جایگاهی خاص در بین مردم برای رساندن آنها به خواسته‌های سیاسی‌شان یافت. تا آنجا که در ادامه نقش خود را در نهضت مشروطه نشان داد و این مهاجرت‌های صغری و کبری بود که مظفرالدین شاه را وادار به صدور فرمان مشروطیت کرد. اما در مورد نقش علامه میرزا محمد حسین نائینی در نهضت مشروطه می‌توان گفت که علامه میرزا محمد حسین نائینی که در مکتب میرزای شیرازی تربیت شده و با منش اجتماعی-سیاسی او انس گرفته بود و در نهضت تنباکو از مشاوران وی بشمار می‌رفت، در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی حضور جدی و فعالی داشت. از سوی دیگر انس و دوستی او با سید جمال الدین اسدآبادی از دوران جوانی در اصفهان و استمرار این پیوند تا زمانی که در سامرا بود، به طوری که سید جمال الدین اسدآبادی در سفری به سامرا برای ملاقات با میرزای شیرازی چند روزی در حجره نائینی ساکن شد؛ نشان از تفکر اجتماعی-سیاسی نائینی و منش او در این عرصه دارد. زندگی او در مقاطع مختلف و حضورش در جریان‌ات مهم سیاسی آن عصر همچون نهضت مشروطیت در ایران، جهاد بر ضد استعمار انگلیس، تجاوز روسیه و نهضت اسلامی در عراق که به تبعیدش منتهی شد، گواه بر شخصیت اجتماعی-سیاسی اوست. پس از اعلان مشروطیت در ایران، مؤلف را بزرگترین حامیان مشروطه شمرده‌اند که با تألیف این کتاب مشهور و ارزنده «تنبیه الامه و تنزیه المله»، که مورد تأیید رهبران مشروطه آخوند ملاً محمد کاظم خراسانی و ملاً عبدالله مازندرانی قرار گرفت، سهم وافری در این نهضت ایفا کرد. تنبیه الامه و تنزیه المله، مشهورترین رساله در باره مبانی فکری و ابعاد گوناگون حکومت مشروطه، بر اساس نگرش شیعی، نوشته میرزا محمدحسین غروی نائینی و به زبان فارسی است. هدف اصلی کتاب، نفی استبداد و اقامه دلیل بر درستی حکومت مشروطه، بر اساس مکتب تشیع و پاسخ به اشکالات و شبهات مخالفان مشروطه است. نویسنده در سراسر کتاب، بادیدگاهی که اسلام را توجیه کننده استبداد و حاکمیت استبدادی می‌داند، به شدت مخالفت می‌کند.

منابع

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۳)، *مشروطه ایرانی*، چاپ هشتم، تهران، نشر اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۳)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران، مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان، رودکی.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۶۲)، *ترجمه هدیه آرازی آلی الامام آلمجدد آلشیرازی*، تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامی.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۷۴)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۹۶)، *طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد، دارالمرتضی للنشر.
- آل احمد، جلال (۱۳۶۹)، *در خدمت و خیانت روشنفکران*، جلد دوم، تهران، نشر وزرا.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳)، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی، علیرضا، ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۵)، *تحولات سیاسی-اجتماعی ایران (از قاجاریه تا رضاشاه)*، تهران، قومس.
- آوری، پیتز (۱۳۷۳) *تاریخ معاصر ایران «تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، نشر عطایی.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۳۳)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران، کویر.
- بشیری، احمد (۱۳۶۳)، *گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری در باره انقلاب مشروطه ایران*، جلدیک، تهران، پرواز.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۲)، *مجموعه‌ای از رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری*، جلد دوم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۰)، *تشیع و مشروطیت در ایران*، تهران، نشر امیر کبیر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- حقیقت، سیدصادق، بهمن (۱۳۹۰)، «از نقد استبداد تا توجیه مشروطه (کواکبی و نائینی و مسأله تحدید قدرت)»، *ماهنامه علوم انسانی (بخش کتاب نامه)*، سال دوم، شماره ۳۰، صص ۷۵-۱۰۰.
- داوودی، مهدی (۱۳۷۲)، *عین الدوله و رژیم مشروطه*، تهران، امیرکبیر.

- درخشه، جلال، پاییز و زمستان (۱۳۸۴)، «نسبت قانون و شریعت در اندیشه سیاسی علامه میرزای نایینی»،
دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، صص ۳۹-۵۹.
- دوانی، علی (۱۳۷۷)، **نهضت روحانیان ایران**، جلد اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، **حیات یحیی**، جلد دوم، تهران، انتشارات فردوس.
- رفیع و عباس زاده مرزبالی، (ح.وم) حسین ومجید (۱۳۹۴) «علامه میرزا نائینی ودفاع ازحکومت مشروطه»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۷۵-۹۹.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰)، **تاریخ ایران**، جلد دوم، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، بی جا، نشر دنیای کتاب.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۰)، **مروری کوتاه بر تاریخ ایران از آغاز زمان مادها تا پایان دوره قاجاریه**، تهران، سخن.
- شیرخانی و رضایی، علی و مرتضی (۱۳۹۰)، «نقش روحانیت در انقلاب مشروطه»، **فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، سال هشتم، شماره ۲۵، صص ۸۵-۱۱۰.
- علویان، مرتضی (۱۳۸۳)، **روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- علیخانی و همکاران، علی اکبر (۱۳۹۰)، **اندیشه سیاسی متفکران مسلمان**، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱)، **نهضت اسلامی ایران - علل مسائل و نظام سیاسی**، قم، نشر معارف.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱)، **نهضت اسلامی ایران - علل مسائل و نظام سیاسی**، قم، نشر معارف.
- عنایت، حمید (۱۳۸۴)، **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی تهران، خوارزمی.
- فیرحی، داود (۱۳۹۱)، **فقه و سیاست در ایران معاصر**، تهران، نشر نی.
- قادری، حاتم (۱۳۸۵)، **اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران**، تهران، سمت.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، **تاریخ مشروطه ایران**، جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، **طایع الاستبداد و مصارع الاستعباد**، تصحیح محمدجواد صاحبی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مجیدکفایی، عبدالحسین (۱۳۵۸)، **مرگی درنورزندگانی ملامحمدکاظم خراسانی**، تهران، زوار.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۱)، **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، جلد دوم، تهران، علمی.
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۲)، «آخوندخراسانی، فقه وامرسیاسی»، **فصلنامه سیاست**، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره چهل و سه، شماره یک، صص ۱۷۷-۱۹۶.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۷۱)، **تاریخ بیداری ایرانیان**، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.

نایینی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۱)، تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی، چاپ هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

نایینی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۱)، تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی، چاپ هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

نجفی، موسی (۱۳۹۱)، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر.

ورعی، سیدجواد (۱۳۸۲)، پژوهشی در اندیشه سیاسی نائینی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم.